

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات

رشته تحصیلی: مطالعات زنان

عنوان:

تأثیر شیوه های تربیتی والدین بر بحران بلوغ دختران ۱۴ تا ۱۸ ساله شهر

کرمان

استاد راهنما: دکتر سید احمد حسینی

استاد مشاور: دکتر عذرا جاراللهی

پژوهشگر: آمنه نگار تاج الدینی

زمستان ۸۸

و تقدیم به :

به چشمانم و به دورایچه‌ی خوشبوی زندگیم فاطمه و محمد آنها که مایه قرار دل من هستند و تنها کسانی بودند که در لحظه لحظه

تحصیلم در کنارم بودند و انگیزه‌ی من برای زندگی هستند. خدایا همواره حفظشان کن و سعادت و آرامش

نصیشان گردان.

و تقدیم به روح بلند مادرم که روزنه‌ی رویشم را به سوی افقهای ممتد و بلند علم و دانش گشود

و تقدیم به پدرم که تکیه‌گاه و سنبل مساعدتم بود.

همچنین از همه کسانی که در مسیر این تحقیق به نوعی موجب دلگرمی ام شدند و دستم را گرفتند تا در راه نامم‌شکرمی

نایم پروردگارا، همواره بهترین بابت را تقدیمشان کن.

باساس فراوان

از کلیه اساتید بزرگوارم که مرابه دنیای علم و استدلال و عقلانیت رهنمون ساخت یادشان جاوید و سیامی فرزانه

شان خورشید هدایت دانش پژوهان این مرز و بوم باد.

چکیده

این تحقیق با موضوع تأثیر شیوه های تربیتی والدین بر بحران بلوغ دختران ۱۸-۱۴ ساله به دنبال این سوال که شیوه های مختلف تربیتی والدین چه تأثیری بر بحران بلوغ دختران دارد؟ و با هدف تعیین میزان اثرگذاری روش های تربیتی توسط والدین بر بحران بلوغ دختران انجام شده است.

برای چارچوب نظری این تحقیق از الگوی شیوه های فرزند پروری والدین و نظریه کول استفاده شده است. فرضیه اصلی این تحقیق: بین شیوه های تربیتی والدین و نحوه گذار نوجوانان دختر از بحران بلوغ رابطه وجود دارد به طوریکه دختران خانواده های مقتدر دوران بلوغ آرام تر و بلوغ عاطفی باثبات تری را نسبت به دختران خانواده های مستبد یا آزاد منشانه تجربه می کنند. در این تحقیق شیوه های تربیتی متغیر مستقل، بحران بلوغ متغیر وابسته و روابط بین والدین، وضعیت سرپرستی دختر و پایگاه اجتماعی - اقتصادی والدین به عنوان متغیرهای کنترل انتخاب شده اند.

جامعه آماری این تحقیق ۱۸۵۹۱ نفر می باشد و تعداد افراد نمونه ۳۷۷ نفر می باشند. روش تحقیق پیمایشی است و ابزار سنجش پرسشنامه است. نتایج این تحقیق نشان داد که هر چه والدین از شیوه های اقتداری استفاده می نمایند دختران بحران بلوغ کمتری را تجربه می کنند و هر چه والدین از شیوه های استبدادی بیشتری استفاده می کنند دختران نوجوان بحران بلوغ بیشتری را دارند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ج	چکیده
ح	مقدمه
	فصل اول
۱	۱- بیان مسئله
۶	۲- ضرورت و اهمیت تحقیق
۷	۳- اهداف تحقیق
	فصل دوم
۸	۱- تعریف بلوغ و انواع آن
۱۱	۲- نظریه های بلوغ
۱۲	۳- نظریه های فلسفی بلوغ
۱۳	۴- نظریه های زیستی - روانی بلوغ
۱۷	۵- نظریه تعامل زیستی، روانی، اجتماعی بلوغ
۱۷	۶- دیدگاه اجتماعی روانی بلوغ
۲۵	۷- دیدگاه نوروانکاری
۲۶	۸- نظریه جامعه شناسی بلوغ
۲۶	۹- نظریه انسان شناسی
۲۷	۱۰- نظریه فمینیستی
۲۷	۱۱- نظریه های مربوط به خانواده و روشهای تربیتی والدین
۳۰	۱۲- الگوی روابط والدین و کودک شیفر
۳۲	۱۳- الگوی بام ریند
۵۱	۱۴- تحقیقات داخلی و خارجی
۵۸	۱۵- چارچوب نظری
۶۳	۱۶- فرضیه ها
	فصل سوم: روش شناسی
۶۲	۱- مقدمه
۶۲	۲- جمعیت آماری

- ۳- روش نمونه گیری ۶۳
- ۴- متغیرها ۶۴
- ۵- تعریف نظری ۶۵
- ۶- تعریف عملیاتی شیوه های تربیتی ۶۶
- ۷- تعیین پایایی و اعتبار : ۷۹
- ۸- اعتبار ۷۹
- ۹- پایایی ۸۳
- ۱۰- روش تحقیق ۸۴
- ۱۱- نحوه جمع اوری اطلاعات ۸۵
- ۱۲- نحوه تحلیل داده ها ۸۵

فصل چهارم : تحلیل داده ها

- ۱- ویژگی های جامعه آماری ۸۶
- ۲- توصیف متغیرها ۸۸
- ۳- آزمون فرضیه ۱۲۶

فصل پنجم : خلاصه ، نتیجه گیری ، پیشنهادها

- ۱- خلاصه ۱۳۷
- ۲- نتایج تحقیق ۱۴۱
- ۳- پیشنهادها ۱۴۷
- ۴- محدودیت های تحقیق ۱۴۸
- ۵- منابع و ماخذ ۱۴۹
- ۶- پیوست

فهرست جداول

- جدول شماره ۱-۳: انحراف چارکی ۸۰
- جدول شماره ۲-۳: تفسیر نمرات ۸۰
- جدول شماره ۳-۳: جدول تحلیل عوامل ۸۱
- جدول شماره ۴-۳: ترتیب سلسله مراتبی از ماتریس همبستگی های درونی ۸۲
- جدول شماره ۵-۳: تبدیل به نمرات استاندارد ۸۲
- جدول شماره ۶-۳: جدول دو عاملی ۸۳
- جدول شماره ۷-۳: همسانی درونی مقیاس بلوغ عاطفی ۸۴
- جدول شماره ۱-۲-۴: توزیع فراوانی و درصد پایه تحصیلی ۸۸
- جدول شماره ۲-۲-۴: توزیع فراوانی و درصد وضعیت سرپرستی دختر ۸۹
- جدول شماره ۳-۲-۴: توزیع فراوانی و درصد شغل مادر ۹۰
- جدول شماره ۴-۲-۴: توزیع فراوانی و درصد مدرک تحصیلی مادر ۹۱
- جدول شماره ۵-۲-۴: توزیع فراوانی و درصد مدرک تحصیلی پدر ۹۲
- جدول شماره ۶-۲-۴: توزیع فراوانی و درصد شغل پدر ۹۴
- جدول شماره ۷-۲-۴: توزیع فراوانی و درصد افراد بر حسب هر یک از معرفه های شیوه های تربیتی ۹۷
- جدول شماره ۸-۲-۴: توزیع فراوانی و درصد افراد بر حسب روابط بین والدین ۹۹
- جدول شماره ۹-۲-۴: توزیع فراوانی و درصد زندگی با سایر افراد به جز والدین ۱۰۰
- جدول شماره ۱۰-۲-۴: توزیع فراوانی و درصد حیات والدین ۱۰۱
- جدول شماره ۱۱-۲-۴: توزیع فراوانی و درصد درآمد خانواده ۱۰۲

- جدول شماره ۴-۲-۱۲: توزیع فراوانی و درصد افراد بر حسب رفتارها ۱۰۷-۱۱۰
- جدول شماره ۴-۳-۱: آزمون همبستگی بین بحران بلوغ و شیوه های تربیتی ۱۲۸
- جدول شماره ۴-۳-۲: آزمون همبستگی بین بحران بلوغ و شیوه های تربیتی در سطوح کم خشونت بین والدین ۱۲۹
- جدول شماره ۴-۳-۳: آزمون همبستگی بین بحران بلوغ و شیوه های تربیتی در سطوح متوسط خشونت بین والدین .. ۱۳۰
- جدول شماره ۴-۳-۴: آزمون همبستگی بین بحران بلوغ و شیوه های تربیتی در گروه زندگی با پدر و مادر واقعی ۱۳۲
- جدول شماره ۴-۳-۵: آزمون همبستگی بین بحران بلوغ و شیوه های تربیتی در سطوح پایین پایگاه
اجتماعی، اقتصادی والدین ۱۳۲
- جدول شماره ۴-۳-۶: آزمون همبستگی بین بحران بلوغ و شیوه های تربیتی در سطوح پایگاه
اجتماعی، اقتصادی متوسط والدین ۱۳۵
- جدول شماره ۴-۳-۷: آزمون همبستگی بین بحران بلوغ و شیوه های تربیتی در سطوح پایین پایگاه
اجتماعی، اقتصادی بالای والدین ۱۳۶

مقدمه

در این تحقیق، شیوه های تربیتی را که والدین در رابطه با فرزندان خود به کار می برند و نیز تأثیر این نوع شیوه ها بر دوران بلوغ دختران را مورد مطالعه قرار می دهیم.

خانواده به عنوان نخستین و اساسی ترین نهادی است که در رشد شخصیت افراد تأثیر می گذارد جامعه ای سالم است که از خانواده های سالم برخوردار است. خانواده در تربیت نسل، تأمین نیازهای انسانی و ایجاد تعادل روانی و عاطفی افراد نقش بسیار مهمی دارد.

سه شیوه را که والدین در تربیت خود استفاده می کنند مستبدانه یا دیکتاتوری، آزادمنشانه و اقتداری عنوان می کنیم. در دوران بلوغ نوجوان با جهانی نو آشنا می شود. انگیزه های غریزی و عاطفی نوجوان به ظهور می رسد و او قدرت تفکر انتزاعی را پیدا می کند. در این دوران طوفان برپاست و تعادل روانی نوجوان به هم می خورد و فرآیند مهم هویت یابی در این دوران اتفاق می افتد همچنین مشکلات عاطفی در دوران بلوغ به اوج می رسد و گاهش شیوه تربیتی نامناسب اتخاذ شده توسط والدین و برخورد نادرست با نوجوان او را به سمت بزهکاری سوق می دهد و آسیب های جدی مثل فرار دختران، خودکشی، اعتیاد و... از عوارض عدم توجه به این مسئله می باشد در تحقیقات دیگر انجام شده توسط پژوهشگران و محققین، بر اینکه روش تربیتی مقتدرانه موجب رشد مثبت و سلامت روان فرزندان می شود تأکید شده است اما در این تحقیق برآنیم والدین و شیوه های تربیتی آنها به عنوان یک عامل تأثیرگذار مهم در تربیت فرزندان در دوران بلوغ به ویژه دختران چه تأثیری دارند.

این تحقیق مشتمل بر پنج فصل است: فصل اول کلیات، فصل دوم مبانی نظری و چارچوب نظری تحقیق، فصل سوم روش شناسی، فصل چهارم تحلیل داده ها و فصل پنجم خلاصه، نتیجه گیری و پیشنهادات است.

فصل اول

کلیات

در ابتدا در شروع هر تحقیقی باید موضوع و مسئله را انتخاب کنیم و آنرا از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار دهیم و اینکه این موضوع از چه جهاتی اهمیت دارد و عدم توجه به آن چه عوارض و مشکلاتی را در پی خواهد داشت. در این فصل به بیان موضوع و طرح مسئله می پردازیم و سپس اهداف تحقیق را تعیین می کنیم و به ضرورت و اهمیت مسئله می پردازیم.

بیان مسئله:

نوجوانی دوره ای بین کودکی و بزرگسالی است، دوره ای از زندگی است که نخستین تجارب در حساس ترین دوران رشد انسان رخ می دهد. آینده نگری، انقلابی گری و شورش، عشق، رابطه ی جنسی، تحصیل، شغل آینده و تثبیت هویت همه و همه در این دوران شکل می گیرند. نیرو و سلامت و توانمندی های این دوران بیشتر از دوران های دیگر است که باید فرد و اجتماع را به اوج ترقی و کمال برساند پس نیازمند توجه است. بلوغ یکی از باشکوه ترین و در عین حال پیچیده ترین و مسئله سازترین مراحل تکامل زندگی انسان است.

بلوغ از نظر لغوی در فرهنگ فارسی یعنی رسیدن به سن رشد، به معنی رسیدن به اصطلاح (مرد شدن) یا (زن شدن) و گفته اند بلوغ یعنی به کمال رسیدن. بلوغ یک فرآیند است، در این دوره نگاه دختران نسبت به جهان تغییر می کند و گاهی دچار تشویش و نگرانی می شوند البته سن بلوغ براساس نوع جامعه، منطقه جغرافیایی، آب و هوا و حتی طبقه اجتماعی متفاوت است اما به طور کلی نوجوانی حدود سن ۱۱ تا ۱۸ سالگی را دربر می گیرد و بیشتر منطبق بر دوره ی راهنمایی و دبیرستان است.

نوجوان با تغییرات زیادی مواجه می شود، در طی این دوران انسان از موجودی غیرجنسی به موجودی جنسی تبدیل می شود و تغییراتی در روابط او با دیگران ایجاد می شود. نوجوان همواره با سئوالات زیادی مواجه است. عده زیادی از نظریه پردازان این دوره را دوران "طوفان و فشار" می نامند. " استانی هال" معتقد است که نجات انسان بسته به آن است که جوامع بالغ چگونه به نیازهای نوجوانان پاسخ دهند.

برای پاسخ به نیازهای نوجوانان لازم است خوب آنها را بشناسیم. " هال " همچنین معتقد است که نوجوانی یک " جهش ناگهانی " است که مراحل بعدی زندگی بر این طبقه بنا می شود و آن را می پوشاند (محبی، ۱۳۸۶).

نوجوانی مرحله انتقال از دوران کودکی به دوره جوانی و بزرگسالی است. نوجوان از یک سو در حال کنار گذاشتن وابستگی های دوران کودکی است و از سوی دیگر توانایی لازم برای حل بسیاری از مشکلات زندگی را ندارد و همین، تزلزل فکری و روانی و حالت پریشانی و ابهام را در او به وجود می آورد و آرامش روحی او را به هم می زند.

فرآیند مهم هویت یابی در این دوران رخ می دهد و بحران ایجاد می کند. " بحران " یعنی تغییر ناگهانی و بروز حوادث غیر منتظره و نداشتن اطمینان از اوضاع و برهم خوردن تعادل و غافلگیری تهدید آمیز. (سایت ویکی پدیا)

بعضی بلوغ را زمین لرزه ای شدید می پندارند که سراسر وجود نوجوان را حرکت می دهد و ذخایر پنهانی وجود او را در شرایط جدید و نا آشنا قرار می دهد. بحران بلوغ، چنین حالتی است. بسیاری از رفتارهای ضد اجتماعی و ناسازگارانه نوجوانان را می توان از دیدگاه بحران هویت توجیه نمود.

در دوران بلوغ، نوجوان با جهانی نو آشنا می شود و علاوه بر انگیزه های غریزی، گرایش های عاطفی و روانی نیز در این دوران به ظهور می رسند. از طرفی نوجوان به لحاظ فکری قدرت و توان بیشتری می یابد و می تواند در بسیاری از مسائل زندگی بیاندیشد، فکر او تا دیروز از حصار محسوسات فراتر نمی رفت ولی امروز او می تواند درباره ی امور غیر محسوس، مجرد و انتزاعی فکر کند و همین قدرت فکری، باب تخیل او را باز می کند. در این دوران طوفان برپاست. از طرفی انگیزه های غریزی و عاطفی هر لحظه او را به سویی می برد و تعادل روانی او را بر هم می زند و از طرفی انواع تردیدها و دودلی ها او را با بلا تکلیفی درآوردی روبرو می کند (شامبیاتی، ۱۳۷۹).

در طول دوران نوجوانی انواع مشکلات عاطفی و بزهکاری به اوج خود می رسد آسیب های جدی مثل فرار دختران، خودکشی و آسیب های جدی دیگری از این قبیل که از معضل شخصی و خانوادگی تبدیل به

معضل اجتماعی می شوند و افکار عمومی را نگران می کنند بیانگر وجود مشکلات جدی در دوران بلوغ دختران است.

دختران در این سن نیازمند تعریف مجدد از نقش خود هستند. مرحله ای است که فرد باید «خود» را باز شناسی کند. اگر در این کار موفق شود احساس هویت لازم را پیدا خواهد کرد که این مسئله، نشانه رشد شخصیت اوست و اگر در این مسئله نا موفق بماند، دچار آشفتگی و بحران نقش خواهد شد. (سارایتان، ۱۳۸۴)

دختران جامعه ما می خواهند مقبول باشند پس طبق کلیشه های جنسیتی رفتار می کنند که آن را فرهنگ به آنها تحصیل می کند بنابراین مجبور میشوند خود دروغین شکل دهند در درون خود و احتمالاً به همین دلیل زنان ودختران افسردگی بیشتری دارند. (هایر ۱۳۸۳ به نقل از گلیگان، ۱۹۹۳).

دختر در نوجوانی یاد می گیرند که موقعیت آنها با جذابیت آنها تعیین می شود نه با پیشرفت های ما نوجوان دختر هر دو شق را می خواهد، هم زن باشد هم پیشرفت که دچار تضاد می شود و این بیشتری تضادی است که زنان با آن روبرو هستند (همان)

فاکتور احترام به خود در دوران نوجوانی به شدت کاهش می یابد به خصوص در دختران، دختران هویت یابی خود را به تعویق می اندازند و درصدد حفظ یک هویت انعطاف پذیرند تا خود را با همسری که نمی شناسند درآینده هماهنگ کنند (همان)

دختران از لحاظ جنسی نسبت به پسران آسیب پذیرترند، والدین معمولاً در مورد روابط دخترانشان با جنس مخالف برخوردهای خشن نشان می دهند که اثرات مخرب زیادی در شخصیت در حال تکوین دختران نوجوان دارد. (www.topsites.roham.ws)

تمایلات خودکشی در دختران به خصوص آنها که مورد تجاوز واقع شده اند بسیار زیاد است. سن بلوغ دختران کمتر از پسران است که معمولاً دختران در این سن از آگاهی لازم برخوردار نیستند ممکن است به سهولت در دام انحرافات جنسی بغلتند.

وضعیت یک پسر قبل از و بعد از ارتباط جنسی با جنس مخالف دگرگون نمی شود. اما دختر در روابط با انحراف و تجاوز جنسی، چیزی را از دست می دهد و احتمال آبروریزی و رسوایی دختران بیش از

پسران است و عواقب اجتماعی سنگینی برای او خواهد داشت. دختران گاهی با خودکشی به این ناامیدی خود پایان می دهند و گاهی چون راه تشکیل خانواده را با روی خود بسته می بینند و از آینده نا امید می شوند بیشتر در ورطه هولناک فساد و انحرافات اخلاقی غوطه ور می شوند که اینها همه و همه معلول سبک تربیت والدینی و دیگر عوامل موثر می باشد.

در واقع پایه های شکل گیری شخصیت و شاکله رفتارهای فردی و اجتماعی، در کانون خانواده و در کنار والدین بنا می شود. به نظر جامعه شناسان یکی از کارکردهای مهم خانواده، اجتماعی کردن فرزندان است. محیط سالم خانواده و شیوه صحیح تربیت و اصول و ایده ها و نگرش ها و ارزش ها به فرزندان باعث می شود که فرد به راحتی دوران بلوغ خود را طی کند و در آینده به تعادل روانی دست یابد. روابط والدین و فرزندان در دوره بلوغ یکی از شاخص های مهم سلامت روان است. رفتارهای ناسازگارانه ی نوجوان ممکن است ناشی از فقدان جو عاطفی لازم در خانواده باشد (نولر و کالان، ۱۹۹۱).

والدین شیوه های تربیتی مختلفی را در رابطه با فرزندان خود اتخاذ می کنند. بعضی ممکن است در انجام امور مختلف به فرزندان خود آزادی دهند و برخی دیگر ممکن است بر عکس شیوه ی مستبدانه در ارتباط با فرزند خود را انتخاب کنند و عده ای دیگر از والدین ممکن است شیوه ی اقتداری را برگزینند. آزادی های موجود یا سخت گیری های افراطی در خانواده همه از عوامل انحراف دختران نوجوان اند و موجب محدودیت رشد او می شوند (ابراهیمی، ۱۳۸۶).

دختران نوجوان نیازمند باز تعریف مجدد از نقش خود هستند و در این مرحله خود را بازنمایی نمایند. همچنین روابط در خانواده و شیوه های تربیتی والدین تأثیر بسیار زیادی در یافتن هویت موفق یا آشفته دختران دارد (سادایتان، ۱۳۸۴).

لازم است شیوه های تربیتی والدین را شناسایی کنیم و نوع روابط والدین با نوجوان را بررسی نماییم تا بهترین روش تربیتی برای گذر آرام از مرحله ی بحران بلوغ دختران مشخص شود.

با توجه به اینکه ساکن شهر کرمان هستیم و در این شهر دوران بلوغ خود را پشت سر گذاشته ام. شاهد وجود مشکلات روحی و خلقی دختران نوجوان بوده و هستم. مهم تر اینکه دخترم در آستانه ی دوران بلوغ قرار دارد و دچار تغییرات رفتاری شده است لذا بر آن شدم تا این پژوهش را با انگیزه ی بیشتری انجام

دهم تا دنیای او را بهتر بشناسم و بهترین روش در برخورد با او که به نیازهایش پاسخ دهد را برگزینم لذا جامعه آماری خود را دختران نوجوان شهر کرمان انتخاب کردم.

در این پژوهش به دنبال پاسخ این سؤال هستم:

شیوه های تربیتی والدین چه تاثیری بر بحران بلوغ دختران نوجوان دارد؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

از آن جایی که کشور ما دارای جمعیت جوانی است و کودکان و نوجوانان آینده سازان این جامعه خواهند بود؛ هر گونه اختلال در مسیر حرکت و رشد این قشر، آینده کشور را به خطر می اندازد و آسیب های جدی از این رهگذر بر پیکر اجتماع وارد می شود و نیروی خلاق و سازنده ای که می بایست در آینده ای نه چندان دور در اعتلای جامعه خود کوشا باشند به نحوی دچار آسیب می شوند، شایسته است این دوران را بشناسیم که ساختن بدون شناختن، تیر در تاریکی رها کردن است. شناخت ویژگی های این دوران علی الخصوص ویژگی های دختران نوجوان که آینده سازان این کشورند و نقش بسزایی در تربیت نیروی انسانی جامعه دارند می تواند راهی نو و کاربردی در حل مسائل اجتماعی و آسیب های این دوران باشد. در اثر هرز رفتن این سرمایه های عظیم خساراتی جبران ناپذیر بر پیکره ی اجتماع وارد میشود و بی توجهی به بحران بلوغ دختران موجب بسیاری از ناهنجاری های رفتاری میشود که ممکن است در نهایت منجر به معضلات اجتماعی جبران ناپذیر شود، بنابراین شناخت عواملی که تأثیر زیادی بر بحران بلوغ دختران دارد لازم است. نتایج این تحقیق می تواند برای آگاهی بخشی والدین به کار رود که بدانند با فرزند خود چگونه رفتار کنند، این گامی مؤثر در جهت سلامت روان جامعه می باشد در این صورت آینده کشور به دست نوجوانانی است که والدین آنها شیوه ی تربیتی صحیحی برای آن ها اتخاذ می نمایند و قطعاً افرادی با هویت موفق تربیت خواهند نمود و جامعه ای سالم و محکم و موفق را به وجود خواهند آورد.

همچنین با انجام این پژوهش به تأیید یارد نظریه هایی که در چارچوب نظری مطرح شده است می پردازیم که اهمیت نظری این موضوع می باشد.

همچنین نتایج این کار می تواند در جهت برنامه ریزی و پیشگیری از رفتارهای ضد اجتماعی و

ناسازگارانه نوجوانان استفاده شود.

اهداف تحقیق (پژوهش و کاربردی)

هدف این تحقیق عبارت است از تعیین میزان اثرگذاری رفتار والدین (شیوه تربیتی والدین) بر بحران بلوغ دختران نوجوان، شناختن اینکه کدام شیوه تربیتی والدین گذر از بحران بلوغ دختران را آسانتر و راحت تر می نماید و نوجوان متعادل تر و سالم تری تربیت خواهند نمود؟ نوجوانی که آینده ای روشن در انتظارش است؟ همچنین تعیین تاثیر متغیرهای دیگری مثل روابط بین والدین، وضعیت سرپرستی دختران نوجوان و پایگاه اجتماعی - اقتصادی والدین بر بحران بلوغ دختران نوجوان که متغیرهای کنترل می باشند. گشودن راه برای پژوهش های آتی در زمینه روابط والدین با نوجوانان، و کمک به افزایش دانش در زمینه ی روابط والدین برای توسعه بیشتر نیز از اهداف این تحقیق می باشد.

فصل دوم

مبانی و چارچوب نظری تحقیق

در این فصل ابتدا به بررسی دیدگاه های نظری راجع به بلوغ و بحران آن و سپس به شیوه های تربیتی والدین پرداخته می شود. در اینجا به نظرات دانشمندان مختلف اشاره می شود. همچنین در مورد روابط بین والدین، وضعیت سرپرستی دختر و پایگاه اجتماعی - اقتصادی والدین نظریاتی را مطرح می نمایم و در نهایت با پشتوانه تئوریکی چارچوب نظری را تدوین می نمایم.

تعریف بلوغ و انواع آن:

بلوغ، دوره ای از رشد است که انسان از موجودی غیرجنسی به موجودی جنسی تبدیل می شود و توانایی تولید مثل پیدا میکند و تغییرات جسمی در ظاهر فرد و گستره ی انتخاب هایش و روابطش به وجود می آید. بلوغ از واژه لاتین **puberto** به معنی "سن مردی" گرفته شده است. نیمی از دوره بلوغ در انتهای دوره ی کودکی و نیم دیگر آن با آغاز دوره ی نوجوانی همراه می شود. اوایل دوره ی بلوغ معمولاً ۱۱ تا ۱۴ سال است که رشد جسمی فرد زیاد می شود اواسط دوره ی بلوغ سنین ۱۴ تا ۱۸ سالگی است که تغییرات بلوغ کامل میشود اواخر بلوغ ۱۸ تا ۲۱ سالگی است که فرد هم از نظر جسمی هم از نظر پذیرش نقش های بزرگسالی تکامل می یابد. (شهر آرای، ۱۳۸۳: ۸).

رشد و تکامل دوران نوجوانی پایه و اساس بدنی، نضج عاطفی، اجتماعی، ذهنی و اقتصادی است. همچنین این رشد بدنی تاثیر عمیقی در شخصیت و سازگاریهای اجتماعی نوجوان دارد (شعاری نژاد، ۱۳۷۳: ۲۸۰).

روان شناسان دوره ی بلوغ را ولادت ثانوی فرد می نامند (پیشین : ۲۸۳)

دوره ی نوجوانی دوره ی کسب هویت و شناخت خود است. در این دوره نوجوان تحت تاثیر رفتارهای خانواده است. سطح فکر افراد گسترش می یابد و نوجوانان همزمان با شناختن هویت خود قادر به تفکر انتزاعی هستند، آنها درباره ی مسایل کاملاً جدی فکر می کنند سوالاتی چون من کیستم؟ و معنی ومفهوم زندگی چیست؟ و... را در ذهن خود مطرح می نمایند. نوجوانان بر اساس پاسخ هایی که در برابر پرسش های خود می یابند درباره ی جهانی که در آن به سر می برند قضاوت می کنند. (فتحی، ۱۳۸۲)

در این دوره تغییرات سریعی که در اندام نوجوان پیدا می شود باعث اضطراب و شرمندگی وی از خودش می شود. او نمی داند در مقابل این وضعیت از خود چه عکس العملی نشان دهد. نوجوان نیازمند است

شناخته شود و مورد پذیرش قرار گیرد حتی هنگامی که رفتار ناپسندیده ای از او سر می زند (شعاری نژاد، ۱۳۷۳: ۲۸۴).

دختران در این سن نیازمند تعریف مجدد از نقش خود هستند. مرحله ای که باید خود را باز شناسی کنند و مورد پذیرش قرار گیرند.

بلوغ پدیده ای چند بعدی است. مجموعه تغییرات بدنی و روحی و عاطفی و اجتماعی و... است که بین دوران کودکی و بزرگسالی رخ می دهد، لازم است همه ابعاد آن شناخته شود که نیاز به توضیح مفصل دارند و لی ما به چند مورد اکتفا می کنیم.

بلوغ عاطفی:

عواطف مهم ترین عوامل موثر در رشد و پرورش شخصیت به شمار می روند چنانکه مکدوگال می گوید: تنظیم و هماهنگی عواطف اساس تکامل و شخصیت است و شخصیت فرد عموماً از قوت و ضعف عواطف او متأثر می شود (شعاری نژاد، ۱۳۷۳: ۴۶۳)

یکی از روانپزشکان سال های ۱۸-۱۲ را سن نا آرام خوانده است، زیرا افراد نه کودکند و نه بزرگسال! و نه کاملاً از خود مطمئن هستند هیجانها و عواطف نوجوان غالباً این خصوصیات را دارند:

۱- شدت ۲- سرعت ۳- افسردگی ۴- عدم کنترل ۵- ناپایداری ۶- مظنون بودن ۷- ناشیگری

هیجانهای دوران نوجوانی عبارتند از: ۱- هیجان ترس ۲- خشم ۳- محبت

ترس در نوجوانی جنبه اجتماعی به خود می گیرد و محرک ها و واکنش های آن دگرگون می شوند و به اشکال متعددی در می آیند که مهم ترین آنها عبارتند از اضطراب، کمروبی، گیجی و افسردگی.

اضطراب که مکرراً از آن نام می بریم یکی از حالات هیجانی است که با ترس همراه می شود بدون اینکه فرد علت آن را بداند و از انتظار فرد به انگیزه ها و اوضاع درد آور و ناراحت کننده ناشی شده و به هیجان و اضطراب منجر می شود. به عبارت دیگر اضطراب عبارتست از ترس فرد از نتایج مجهول مربوط به آینده که گاهی تفکر و اعمال گوناگون ذهنی را به تعویق می اندازد (شعاری نژاد، ۱۳۷۳: ۴۶۷).

بلوغ اجتماعی: